

مجموعه‌ای از حکمت‌ها و نیایش‌های

امام حسین (ع)

□ [امام حسین(ع)]، از پیامبر خدا(ص) روایت نمود: [کسی که دینش را از راه تفکر در نعمت‌های خدا، و تدبر در کتاب او و فهم سنت من به دست آرد، کوه‌ها بجنبند و او از جا نجنبند. و کسی که دینش را از دهان افراد فراگیرد و دنباله‌رو آنان شود، افراد او را به هر سو ببرند و دینش در معرض بزرگ‌ترین زوال است. (گزیده‌ای از سخنان امام حسین(ع))، محمد حکیمی، ص ۴۴]

□ [در نامه به مردم بصره:] شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می‌خوانم، که همانا سنت میرانده شده و بدعت زنده گشته. (سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، انتشارات بوستان کتاب قم، چاپ یازدهم، ص ۷۲)

□ [پس از ورود به کربلا در خطبه‌ای فرمود:] همانا دنیا دگرگون شده و زشتی آن آشکار گردیده و نیکی آن پشت کرده و از آن باقی نمانده جز اندکی، همانند اندک [آبی] که ته ظرفی باقی بماند، و زندگی‌ای پر از خواری در چراگاهی پرسنگلاخ. آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل باز داشته نمی‌شود؟ [در این هنگام] شایسته است که مؤمن به دیدار پروردگار رغبت کند. (سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، ص ۱۹۵)

□ مردم بندگان دنیایند، و دین، بازیچه‌ای بر سر زبان آن‌هاست؛ تا زمانی که زندگی‌شان بچرخد، حول دین می‌گردند، اما چون به بلاها آزموده شوند دینداران اندکند. (سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، ص ۱۹۵)

□ [در پاسخ نامه‌ی ابن‌زیاد که، در اطاعت فرمان یزید، او را به انتخاب مرگ یا بیعت مخیر کرده بود، فرمود:] رستگار نباد مردمی که خشنودی مخلوق را به بهای کسب غضب خالق خریدند. (سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، ص ۲۰۱)

□ روزی گذر امام حسین(ع) بر عبدالله پسر عمرو عاص افتاد، پس عبدالله گفت: «هر که دوست دارد محبوب‌ترین مردم زمین نزد اهل آسمان را ببیند، پس به این عبور کننده بنگرد، اگر چه من از شب‌های صفین تا کنون با او هم‌سخن نشده‌ام.»

ابوسعید خُدَری [این سخن را شنید و] او را نزد امام حسین(ع) آورد. امام(ع) پرسید: «آیا تو می‌دانستی که من محبوب‌ترین مردم زمین نزد آسمانیانم و با این حال با من و پدرم در صفین به جنگ برخاستی؟ و به خدا سوگند که پدر من بهتر از من بود.»

عبدالله پوزش خواست و گفت: «پیامبر(ص) به من فرمود: از پدرت اطاعت کن.»

امام(ع) پاسخ داد: «آیا فرموده‌ی خدای متعال را نشنیده بودی که: ”و اگر [پدر و مادرت] تو را وادارند تا درباره‌ی چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی، از آنان فرمان مبر“ [سوره‌ی لقمان، ۱۵]؟! و آیا گفته‌ی رسول خدا را نشنیده بودی که: ”همانا اطاعت از غیر خدا فقط در کارهای نیک است“؟! و نیز این گفته‌ی او را که: ”از هیچ مخلوقی در چیزی که نافرمانی آفریدگار است، نباید اطاعت کرد“؟!» (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۱۷۱)

□ شخصی به امام حسین(ع) در نامه‌ای نوشت: «آقای من، مرا از خیر دنیا و آخرت آگاه فرما.» امام(ع) در پاسخ او نوشت: «به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. حَقّاً که هر کس خشنودی خدا را، [هر چند] با خشم مردم می‌طلبد، خدا او را از اموری که در دست مردم است کفایت می‌کند و هر کس خشنودی مردم را با خشم خدا می‌جوید، خدا او را به مردم واگذار می‌کند. والسلام.» (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ج ۲، ص ۱۳۱)

□ آن کس که دوستت دارد، تو را [از بدی] باز می‌دارد و آن کس که تو را دشمن دارد، [به آن] برانگیزاند. (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۱۲۷)

□ [بخش‌هایی از خطبه‌ی امام حسین(ع) در منّا: خداوند [در قرآن] فرموده است: «مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند» [سوره‌ی توبه، ۷۱]. خداوند از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان امری واجب از جانب خویش آغاز کرد، زیرا می‌دانست که اگر این [فریضه] ادا شود و بر پا گردد، همه‌ی فرایض، از آسان و دشوار، بر پا می‌شوند؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است، به همراه بازگرداندن حقوق ستمدیدگان و مخالفت با ستمگر و تقسیم [عادلانه] ثروت‌های عمومی و غنایم و گرفتن زکات از جای خود و صرف آن در موارد بسزای خود.

[...] کوران و گنگان و بیماران زمینگیر در شهرها به حال خود رها شده‌اند و به آن‌ها ترحمی نمی‌شود. [با این حال،] شما به کاری که شایسته‌تان است بر نمی‌خیزید و دیگران را نیز در این راه مدد نمی‌رسانید و با مسامحه و سازش با ستمکاران خود را آسوده می‌دارید. این همه، از جمله چیزهایی است که خدا شما را بدان فرمان داده، [یعنی] نهی [از بدی] و بازداشتن یکدیگر [از زشتی‌ها]، و شما از آن غافلید.

[...] پس، ناتوانان را به دست ایشان تسلیم کردید که یا همچون برده مقهور باشند و یا همچون مستضعفی برای اداره امور زندگی، [در دست ایشان] اسیر. در کشورداری به اندیشه خود هر چه می‌خواهند می‌کنند و در اقتدای به اشرار و گستاخی نسبت به خدای جبار، با پیروی هوای نفس، کار را به رسوایی می‌کشانند. بر منبر هر شهر از شهرهای ایشان خطیبی است که بانگ بر می‌دارد و آنچه می‌خواهد می‌گوید. کشور در برابر ایشان بی‌معارض است و دست‌های ایشان در آن گشاده. مردم بردگان آنانند و دست [ستمی] که به ایشان ضربه زند را از خود نرانند. آنانی که برخی زورگو و ستیزه‌جویند، و برخی بر ناتوانان سلطه‌گر و تندخویند، اطاعت‌شوندگانی که [خدای] آغازگر [خلقت] و بازگرداننده [به قیامت] را نمی‌شناسند. (تحف العقول، باب سخنان امام حسین(ع))

□ [در نامه به مردم کوفه:] به جانم سوگند امام و پیشوا نیست مگر آن کس که به قرآن عمل کند و عدل را به پا دارد و حق را اجرا کند و خود را وقف راه خدا سازد. (سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، ص ۵۱)

□ ای مردم! همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که فرمانروایی ستمگر را ببیند که حرام‌های خدا را حلال می‌شمرد، پیمان خدا را می‌شکند، با سنت رسول خدا مخالفت می‌کند و در میان بندگان خدا بر اساس گناه و تجاوز رفتار می‌کند، و نه با کردار خود بر او بشورد و نه با گفتار خود، آنگاه بر خداست که [در روز جزا] او را به همان جایگاهی در آورد که آن ستمگر را در می‌آورد.

بدانید، اینان به پیروی شیطان چسبیده‌اند و اطاعت رحمان را ترک گفته‌اند. تباهی‌ها را آشکار ساخته، حدود [خداوندی] را تعطیل کرده، ثروت‌ها را به خویش اختصاص داده و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته‌اند. (سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، ص ۱۶۱)

□ [در پاسخ به عبیدالله بن حرّ که در پاسخ به دعوت او گفت: «من از مرگ سخت گریزانم. ولی اسب خود را به شما می‌دهم، اسبی که تا به حال با آن دشمنی را تعقیب نکرده‌ام جز اینکه به او رسیده‌ام و هیچ دشمنی با داشتن این اسب مرا تعقیب ننموده است مگر اینکه از چنگ او نجات یافته‌ام»، امام (ع) فرمود:] اکنون که خود را از ما دریغ داشتی، ما را حاجتی به اسب تو و تو نیست. (سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، ص ۱۷۶)

□ [از امام حسین (ع) در مورد شجاعت پرسیدند، فرمود:] قدم پیش نهادن در سختی، شکیبایی ورزیدن در مصیبت و دفاع از برادران. (حکمت‌نامه‌ی امام حسین (ع)، ج ۲، ص ۴۳)

□ آنجا که حق تو را ملزم می‌سازد، بر آنچه نمی‌پسندی شکیبا باش، و آنجا که هوای نفس تو

را فرا می خواند، از آنچه دوست می داری خود را نگه دار. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، پژوهشکده باقرالعلوم(ع)، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۳۷)

□ راستی، عزت [و توانمندی] است و دروغ، ناتوانی. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، ص ۱۱۵)

□ [به روایت امام صادق(ع)]: شخصی به امام حسین(ع) نامه نوشت که: «با دو کلمه‌ی مختصر، مرا پندی بده.» امام(ع) به او نوشت: «کسی که از راه نافرمانی خدا در پی چیزی باشد، آنچه که امیدش را دارد زودتر از دست می دهد و آنچه که ترسش را دارد زودتر سر می رسد.» (حکمت نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۲۲۹)

□ [در ضمن خطبه‌ای فرمود: بدانید، نیازهای مردم به شما، از نعمت‌های خدا بر شماست؛ از نعمت‌های الهی تنگ‌دلی [و بی‌حوصلگی] نشان ندهید، که به کیفی‌های او تبدیل شوند. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، ص ۱۱۴)

□ شخصی نزد امام حسین(ع) گفت: «اگر نیکی به نا اهل برسد، تباه می شود.» امام حسین(ع) فرمود: «چنین نیست، بلکه نیکوکاری همچون بارانی تند است که به نیک و بد می رسد.» (حکمت نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۱۴۷)

□ [در ضمن خطبه‌ای فرمود: از کسانی مباش که بر گناهان بندگان خدا بی‌مناک است و از عقوبت گناه خود آسوده خاطر، که خدای سبحان درباره‌ی بهشتش فریب نمی خورد و به آنچه نزد اوست جز به اطاعت او و خواست [و توفیق وی] نتوان رسید. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، ص ۱۴۴)

□ روزی، سائلی طلب حاجت می نمود. امام حسین (ع) فرمود: «می دانید چه می گوید؟» گفتند: «نه، ای فرزند رسول خدا.» فرمود: «می گوید: من فرستاده‌ی شما [به سوی آخرت] هستم، اگر چیزی به من دادید آن را می گیرم و به آنجا می رسانم، وگرنه به آنجا می رسم در حالی که دستم خالی است.» (فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۱۲۶)

□ سخاوت [مایه‌ی] دوستی و بخل [مایه‌ی] دشمنی است، و بهشت بر بخیل حرام است. (حکمت‌نامه‌ی امام حسین (ع)، ج ۲، ص ۱۶۳)

□ آن کس که بخشش تو را بپذیرد، تو را در جوانمردی کمک کرده است. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۱۲۶)

□ شکرگزاری تو بر نعمت پیشین، نعمت تازه را سبب می شود. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۱۳۴)

□ امام حسین (ع) دید مردی به غذا دعوت شد، اما به دعوت کننده‌ی خود گفت: «مرا عفو کن، [نمی خورم].» امام (ع) فرمود: «برخیز، که در پذیرش دعوت عذری نیست. اگر روزه [واجب] نداری بخور، و اگر روزه داری [با دعایت] بدان برکت ده.» (حکمت‌نامه‌ی امام حسین (ع)، ج ۲، ص ۱۴۱)

□ نزد امام حسین (ع) نام مردی از بنی امیه را بردند که صدقه‌ی زیادی داده است. امام (ع) فرمود: «مثل او مانند کسی است که از حاجیان راهزنی کند، و از آنچه ربوده صدقه دهد. بی گمان صدقه‌ی پاکیزه، صدقه‌ی کسی است که در راه به دست آوردن آنچه صدقه می دهد، بر پیشانی او عرق نشسته و چهره‌ی او غبار گرفته باشد.» (حکمت‌نامه‌ی امام حسین (ع)، ج ۱، ص ۴۰۳)

□ مردی به امام حسین (ع) گفت: «خانه‌ای ساخته‌ام که دوست دارم به آن درآیی و خدا را بخوانی.» امام (ع) به آن درآمد و بدان نگریست و سپس فرمود: «خانه‌ی خود را ویران و خانه‌ی غیر خود را آباد کردی. آن که در زمین بود، تو را فریفت و آن که در آسمان بود، از تو

متنفر شد.» (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۱۸۹)

□ مالت اگر برای تو نباشد، تو مال اویی. پس آن را باقی مگذار، که برایت باقی نمی‌ماند و آن را بخور، پیش از آنکه تو را بخورد. (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۲۳)

□ ای مردم! هر کس ببخشد، سروری می‌یابد و هر که بخل بورزد، به پستی می‌گراید. بخشنده‌ترین مردم کسی است که به فردی ببخشد که امیدی به او ندارد. (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۳۷)

□ هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فراخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد. (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۱، ص ۳۳)

□ [به فرزند خود علی بن حسین(ع) فرمود:] پسر، پرهیز از ستم کردن بر آن کس که در برابر تو یاری‌کننده‌ای جز خدای عزّ و جلّ نمی‌یابد. (تحف‌العقول، باب سخنان امام حسین(ع))

□ [در پاسخ به امان‌نامه‌ی کارگزار یزید در مکه:] همانا بهترین امان‌ها امان خدا است و کسی که در دنیا خوف خدا نداشته باشد در روز قیامت از جانب او امانی نخواهد داشت. پس، از خداوند خوفی در دنیا را خواستاریم که امان او را در روز قیامت برای ما موجب شود. (سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، ص ۱۱۱)

□ همه‌ی امور در دست خداست و او هر روز در کاری است. اگر قضا بدان‌گونه که دوست داریم و می‌پسندیم نازل شود، خدا را بر نعمت‌هایش سپاس می‌گوییم و هم‌اوست مددکار در ادای شکر، و اگر قضا بر خلاف انتظار فرود آید، آن کس که نیتش حق و در نهادش پروای خداست ستم نکرده است. (سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، ص ۱۱۵)

□ [در پاسخ به زهیر بن قین که گفت: «ای پسر رسول خدا، به خدا که من آینده را سخت‌تر از حال می‌بینم. هم‌اینک جنگ با اینان [=سپاهیان حرّ] آسان‌تر است از جنگ با کسانی که پس از این گرد خواهند آمد؛ به جانم سوگند که سپاهسانی [بسیار] خواهند آمد که با آنان

برابری نتوانیم کرد»، امام (ع) فرمود: [من آغازگر جنگ نخواهم بود. (شهادت نامه‌ی امام حسین (ع)، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ص ۳۹۲)

□ [خطاب به سپاهیان عمر سعد در صبح عاشورا فرمود: آیا من کسی از شما را کشته‌ام که خونش را می‌خواهید؟ آیا مالی از شما را تباه کرده‌ام؟ آیا کسی را زخمی کرده‌ام تا قصاص جویید؟ (سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، ص ۲۴۲)

□ [خطاب به سپاهیان عمر سعد در صبح عاشورا فرمود: شما سخن مرا نمی‌شنوید، چرا که هدایا و پاداش‌هایی به حرام گرفته‌اید و شکم‌هایتان از حرام پر گشته و خدا بر دل‌های شما مهر زده است. وای بر شما! آیا ساکت نمی‌شوید؟ آیا گوش فرا نمی‌دهید؟ (سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، ص ۲۴۵)

□ [خطاب به سپاهیان عمر سعد در صبح عاشورا فرمود: همه با هم دشمنِ دوستان خود و بر علیه آنان یکدست شدید تا دشمنان خود را خرسند کنید؟ بدون آنکه آنان عدلی را در میان شما آشکار کرده یا آرزویی از شما برآورده باشند، به جز [مال] حرام دنیا و زندگی بی‌مقداری که در دنیا خواهانش هستید، و بدون اینکه از ما گناهی سر زده یا اندیشه‌ی ناصوابی داشته باشیم؟ (سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، ص ۲۴۵)

□ [خطاب به سپاهیان عمر سعد در صبح عاشورا فرمود: شما ناپاک‌ترین درختید، که [میوه‌ی آن] برای باغبانش لقمه‌ای گلوگیر و برای غاصب آن شیرین و گواراست. (سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، ص ۲۴۵)

□ [امام حسین (ع) از پدر بزرگوارش معنای فرومایگی را پرسید، امیرمؤمنان (ع) فرمود: جرأت‌ورزی در برابر دوست و بی‌خیالی و بی‌عملی در برابر دشمن است. (حکمت‌نامه‌ی امام حسین (ع)، ج ۲، ص ۱۶۳)

□ [خطاب به سپاهیان عمر سعد در صبح عاشورا فرمود: هیهات که ما ذلت را بپذیریم!

خداوند، آن را برای ما نمی‌پذیرد، و نیز پیامبرش و مؤمنان، و دامن‌های پاک و مطهر، و جان‌های غیرتمند و خوددار که اطاعت از فرومایگان را بر مرگی عزتمندانه مقدم نمی‌دارند.
(سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، ص ۲۴۸)

□ [در نامه‌ای که پس از ورود به کربلا خطاب به محمد حنفیه و افرادی از بنی‌هاشم نوشت:]
بسم الله الرحمن الرحيم. از حسین بن علی به محمد بن علی و افراد بنی‌هاشم که نزد اویند؛ گویی دنیا هرگز نبوده است و گویی آخرت همواره بوده است. والسلام. (سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، ص ۱۹۹)

□ [خطاب به یارانش هنگام شروع جنگ فرمود:] صبر و شکیبایی، ای بزرگ‌زادگان! همانا مرگ جز پلی نیست که شما را از سختی و رنج به بهشت پهناور و نعمتهای جاودان آن می‌رساند. کدام یک از شماست که دوست نداشته باشد از زندانی به قصری منتقل شود؟ و آن [=مرگ] برای دشمنان شما همانند [وضع] کسی است که از قصری به زندان و [محل] عذاب شکنجه برده شود. پدرم از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر من نقل نمود که: همانا دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است، و مرگ پلی است که این گروه را به بهشتشان و آن گروه را به دوزخشان در می‌آورد. آری، نه دروغ شنیده‌ام و نه دروغ می‌گویم. (سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، ص ۲۷۵)

□ [در صبح عاشورا چنین دعا فرمود:] خداوندا! در هر اندوهی تکیه‌گاه منی، و در هر سختی امید منی، در هر حادثه‌ی ناگواری که بر من آید پشت و پناه و ذخیره‌ی منی. چه بسا غمی که در آن دل ناتوان و چاره‌نیاب می‌شد، و دوست و امی‌گذاشت و دشمن زبان به شماتت می‌گشود، و من آن را نزد تو آوردم و شکوه به درگاه تو کردم، تا از جز تو گسسته و تنها به تو روی آورده باشم، و تو آن را رفع کردی و [در کارم] گشایش دادی. پس تو ولیّ هر نعمت و منتهای هر خواسته‌ای. (سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، ص ۲۳۱)

□ [از نیایش‌های اوست:] خداوندا! من خود را به تو می‌سپارم، و روی خود را به سوی تو

می‌دارم، و کارم را به تو وامی‌گذارم، و رستگاری از هر بدی دنیا و آخرت را تنها از تو می‌طلبم. خداوندا! به راستی که تو مرا از هر کس دیگری، بسنده هستی، و هیچ کس مرا از تو کفایت نتواند کرد؛ پس مرا در آنچه از آن می‌ترسم و بیم دارم، از دیگری کفایت فرما، و در کارها برایم گشایش و روزنه‌ی خروج قرار ده. به راستی که تو می‌دانی و من نمی‌دانم، و تو می‌توانی و من نمی‌توانم، و تو بر هر چیز توانایی. به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

(فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، ص ۱۵۴)

□ [از دعای عشرات:] خداوندا! ستایش از آن توست، ستایشی همیشگی به جاودانی تو... [...]

و ستایش از آن توست، ستایشی که جز خشنودی تو پاداشی برای گوینده‌اش ندارد. ستایش از آن توست بر بردباری پس از دانایی‌ات، و ستایش از آن توست بر گذشت پس از توانایی‌ات، و ستایش از آن توست ای برانگیزنده‌ی ستایش، و ستایش از آن توست ای وارث ستایش، و ستایش از آن توست ای پدیدآورنده‌ی ستایش، و ستایش از آن توست ای نهایت ستایش، و ستایش از آن توست ای خریدار ستایش... و ستایش از آن توست ای پاسخ‌دهنده‌ی دعاها، ای بزرگ برکت، ای برون‌آورنده‌ی روشنایی از تاریکی‌ها و ای برون‌آورنده‌ی فروماندگان در تاریکی به سوی روشنایی. (زبده‌ی مفاتیح‌الجنان، ترجمه‌ی کریم زمانی)

□ [از نیایش‌های اوست:] خداوندا! شوق آخرت را روزیم فرما تا از بی‌رغبتی‌ام به دنیا به صدق آن [شوق] در دلم پی برم. خداوندا! بصیرت در کار آخرت را روزیم فرما تا از سرِ شوق، در پی خوبی‌ها برآیم و از سرِ بیم، از بدی‌ها گریزان شوم، ای پروردگار من.

(حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۱، ص ۵۰۷)

□ [از دعای عرفه:] [خداوندا!] نادانی و گستاخیم بر تو مانع نشد که مرا بدانچه به درگاهت نزدیک کند راهنمایی کنی و بر آنچه مرا به آستانت نزدیک کند توفیق دهی. اگر خوانمت پاسخم دهی، و اگر خواهمت عطایم کنی، و اگر فرمانت برم پاداشم دهی، و اگر سپاست

گویم فزونیم بخشی. و این همه زان روست که [خواهی] نعمت‌ها و احسانت را بر من کامل کنی.

[...] خداوندا! مرا بدان مقام از خشیت رسان که گویی تو را بینم و به پروای خود، نیک‌بختم فرما. [...] برایم مبارکی و فرخندگی مقرر دار تا دوست نداشته باشم شتاب را در هر چه تو پس اندازی و تأخیر نجویم در هر چه تو پیش آری. خداوندا! بی‌نیازی را در جانم نشان و یقین را در دلم گمار و اخلاص را در کردارم بنه و روشنی را به دیده‌ام ده و بینش را در دینم گذار و به اعضای تمم برخوردارم کن.

[...] خداوندا! اندوهم زُدای و زشتیم پوشان و خطایم بخشای و شیطانم بران.

[...] معبودا مرا به کدامین کس واگذاری؟ به خویشاوندی که از من گسلد، یا بیگانه‌ای که بر من روی در هم کشد؟ یا آنان که ناتوانیم خواهند؟ حال آنکه تو پروردگار و صاحب اختیارم هستی. به سوی تو شکایت آرم از بی‌کسی و دوری از وطن.

[...] ای آن که با بردباری‌اش از گناهان بزرگ در گذرد؛ [...] ای آن که به بخشندگی‌اش، دهش فراوان دهد؛ ای برگ و نوای من به گاه افتادندم به سختی‌ها؛ و ای همدم من در تنهایی‌ام.

[...] تویی پناه من آنگاه که راه‌های وسیع با همه‌ی وسعت خود مرا خسته و درمانده کنند، و زمین با همه‌ی پهناوری‌اش بر من تنگ نماید؛ و اگر مهر و رحمت تو نباشد، هر آینه به ورطه‌ی نابودی افتم؛ و تویی درگذرنده از لغزشم؛ و اگر عییم نپوشانی از رسوایان خواهیم بود.

[...] ای دارنده‌ی احسانی که هرگز گسسته نشود؛ ای فرودآورنده‌ی کاروان برای رهایی یوسف در هامون بی‌آب و علف و برآورنده‌ی او از چاه و رساننده‌ی او به اوج جاه از پس غلامی؛ ای بازگرداننده‌ی او به یعقوب از پس نابینا شدن چشمانش از اندوه [و گریه بر او]، که او اندوه دل نهان می‌داشت؛ ای گرداننده‌ی آسیب از ایوب [...]؛ ای آن که دعای زکریا

شنود و یحیی را بدو بخشود و او را بی کس و ابتر نهاد؛ ای آن که یونس را از شکم ماهی برون آورد؛ ای آن که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و آنان را رهانید و فرعون و سپاهیان‌ش را غرق کرد.

ای آن که با‌دها را از پیش، نوید دهنده به رحمت خویش، فرستد؛ ای آن که در کیفر بندگان نافرمان خود نشتابد؛ ای آن که جادوگران [فرعونی] را پس از خیره‌سری و ستیزه‌گری طولانی [از گمراهی] نجات بخشید، و آنان در حالی که به نعمت خداوند کامروا بودند و رزق او را روزی خوار، جز او را می‌پرستیدند و با او می‌ستیزیدند و برای او شریک و انبازی می‌گزیدند و فرستادگان‌ش را انکار می‌کردند.

[...] ای آن که سپاسش اندک گویم و مرا نومید نگرداند و خطایم بزرگ است و رسوایم نکند؛ و مرا به گناه انجام گناه بیند و پرده [آبرویم] ندرد.

[...] ای آن که با من به احسان و نیکی رفتار کند و من با بدی و سرکشی [پاسخش دهم]؛ ای آن که مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آنکه راه سپاسگزاری‌ش شناسم؛ ای آن که به دوران ناخوشی‌ام خواندمش و درمانم بخشید، و برهنه بودم پوشاندم، و گرسنه بودم سیرم کرد، و تشنه بودم سیراب نمود، و خوار بودم عزیزم کرد، و نادان بودم شناختم داد، و تنها بودم جمعیتم بخشید، و آواره بودم به وطنم بازگردانید، و بینوا بودم توانگرم ساخت، و یاری می‌جستم یاری‌ام داد، و توانگر بودم و آن را از من نستانند؛ ولی با همه‌ی این‌ها [سپاس او نگزاردم] و او باز هم بر من نیکی و احسان آورد.

[...] سرورا تویی که منت نهادی؛ تویی که نعمت دادی؛ [...] تویی که کامل گرداندی؛ [...] تویی که پناه دادی؛ تویی که کفایت کردی؛ تویی که ره نمودی؛ تویی که نگه داشتی؛ تویی که پوشاندی؛ تویی که آمرزیدی؛ تویی که [از لغزش‌ها] درگذشتی؛ [...] تویی که یاوری نمودی؛ تویی که توانایی دادی؛ تویی که پیروزی بخشیدی؛ تویی که شفا دادی؛

تویی که عافیت دادی؛ تویی که گرامی داشتی؛ تویی مبارک و برتر.

[...] معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از ستمگرانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از آمرزش خواهانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از یکتاپرستانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از بیمناکانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از هراسندگانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از امیدوارانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از مشتاقانم. [...] معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از درخواست کنندگانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از نیایشگرانم.

[...] خداوندا! تو نزدیکترین کسی هستی که بخواندش و شتابندهترین کس به اجابتی. تو آنی که کریمانهتر از هر کس [از گناهان] درگذرد، و بخشندهترین کسی هستی که بخشد و شنواترین کسی که خواهدش. ای بخشاینده در دنیا و آخرت و ای مهربان در هر دو جهان.

[...] ای منتهای آرمان خواستاران مشتاق و نهایت آرزوی امیدواران؛ ای آن که دانش او بر هر چیز احاطه دارد و مهر و عطفش همه‌ی عذرخواهان را در برگرفته است.

[...] خداوندا! در این شب از هر خیری که میان بندگان تقسیم می‌کنی برای ما نصیبی عطا فرما و از هر نوری که بدان خلق را راهنمایی کنی و رحمتی که [بر جهانیان] بگسترانی و برکتی که فرو فرستی و عافیتی که بر بندگان پوشانی و رزق که گسترانی [برای ما بهره‌ای قرار ده]، ای مهربانترین مهربانان. (زبده‌ی مفاتیح‌الجنان، ترجمه کریم زمانی)

□ [از نیایش‌های اوست:] خداوندا! هر کس در پی پناهی است و تو پناه منی، و هر کس در پی دل‌آرامی است و تو دل‌آرام منی. خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و نیایشم را بشنو و دعایم اجابت نما، و بازگشت‌گاه و اقامت‌گاه مرا نزد خود قرار ده. (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۱، ص ۴۹۳)